



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۱۱/۱۷

نصیر احمد مهمند

احیای مجدد و بازسازی!؟

یا

تجمع درنده گان ، خزندگان و چرنده گان بالای نعل افغانستان

(فصل اول)

کوتاه نظری بر تاریخچه احیا و بازسازی و ضرورت برداشتن گامهای اولی:

در جهان در قطار جوامع و ملل کمتر نمونه و مثالی را سراغ خواهیم داشت که فضای صلح و آرامش و امنیت شان بر هم نخورده و گرم و سرد میدانهای نبرد و جنگ را نچشیده و تجربه نکرده باشند، از جمله کشور عزیز ما افغانستان که سراسر اوراق تاریخ آن بیانگر رویدادهای متعدد ازین گرم و سردها بوده، از جنگهای کشوری تا جنگهای تحمیلی غیر عادلانه استعماری و جنگهای استخباراتی نیابتی، خود خواهی و قدرت طلبی و غیره را حکایه میکنند که تاریخ معاصر افغانستان در اثر همین حوادث و اتفاقات روزهای روشن و آفتابی، مکرر و تاریک، خوشی و غم و روزهای افتخار ملی، افسردگی و ماتم را در دل خود جا داده و ثبت نموده است.

در طول تاریخ جوامع و ملت هایبگه تباه و نابود گردیده اند به خاطر استیلاي جاهليت، بی انصافی و بی عدالتی، بیسوادی و بی خبری هوس آلود بر عواطف فرزندان شان بوده، از هم پاشی تمدن های یونان باستان، روم و امپراتوری های انگریزو شوروی همه بخاطر سیطره غیابوت، بی انصافی و بی عدالتی در رهبری این امپراتوریا بوده است.

مسلمان ما میدانیم که هر درگیری و جنگ، ویرانی، تباهی و بی امنیتی و بی نظمی را به میراث میگذارد، مگر علی الرغم آنهمه حالات دشوار و مصیبت با ر جنگ، راه تامین صلح و آرامش و امنیت مجدد هیچگاه قطع و مسدود نمیگردد. ولی همانطوریکه در مقالات و در بخشهایی از دیگر نوشته های تحلیلی و تحقیقی ازین قلم ذکر به عمل آمده که اعاده و برقراری صلح، امنیت و تامین نظم مجدد نیز تنها و تنها در پرتو موجودیت یک ستراتیژی ملی و بااراده قاطع و صادقانه در پرتو یک پروگرام سنجیده شده جامع ملی ایثارگرا شفاف و هکذاذریعه یک تیم پرتوان و با اعتبار ملی که با سیستم کادری شفاف و در تلاش و مساعی بی ریا و خستگی ناپذیر کادرهای شایسته فداکار و ایثارگر ملی که اعمار و احیاء و بازسازی جامعه را با تشخیص و تفکیک اولویت های ضروری و اساسی آن یکی از وجایب و مکلفیت های اصلی دانسته و کمر همت ببندند امکان پذیر بوده و میتواند تحقق یابد، نه توسط مدعیان کاذب و ویرانگر و مستخدمین اجانب. ما بخششهای مختلف ملاحظه خواهیم نمود که در امور عنوان شده و ابزاری احیا و بازسازی افغانستان فرمانروایان منفور داخلی و کشور های ذی نفع و هدفمند چگونه تخطی های جنایی و خیانت های مالی و ملی را به کشور شان بعمل آورده و مرتکب گردیده اند.

نتایج تحقیقات علمی و تجارب تاریخی نشان میدهد که مشکل عمده و اساسی در کشور های جنگ زده تخریب و انهدام تا سیسات و هستی های مادی و معنوی (شیرازه حیات ملی) معمولاً سبب فقدان و اختلال فضای امن و آرامش گردیده ه، هرزه ها با مکیدن خون و مواد و امکانات سر بلند کرده و ریشه میدوانند تا مین و استقرار صلح و انکشاف را دشواری سازند. زیرا صلح و انکشاف دو پدیده با هم مرتبط دانسته شده، و روشن است که موجودیت صلح بر عکس جنگ و خشونت، ریشه های محبت و صداقت را آبیاری و پرورش کرده قوت می بخشد، پیشرفت و انکشاف بهتر و بیشتر و ارزانتر و سریعتر زمینه تحقق و تطبیق حاصل کرده و موجب دانش و تفاهم و اشتراک مساعی همه گیر میگردد. باور و اعتماد قوت می یابد و در نتیجه حسن نیت و سلوک صادقانه، همبستگی و وحدت فکر و عمل و صلح پایدار را در یک جامعه و کشور از هم پاشیده به ارمغان می آورد. باید خاطر نشان کرد که بر آورده ساختن و پیاده نمودن

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

این مامول انسانی نیز مانند جنگ عوامل و انگیزه و زمینه های خود را دارد و بخاطریکه این دوگونگی عوامل و انگیزه ها (جنگ و صلح) باهم در تناسب معکوس قرار دارند، بنابراین ضرور است تا عوامل و انگیزه های صلح، امن و نظم را هر چه بیشتر در ریشه ها و عوامل جنگ جستجو و مطالعه نمود و نیز مسیر آنرا از موانع و آلودگی ها قبلا یعنی در مرحله تهبابی و آغاز کار بایست پاک و آماده کرد، تا کار تحقق عملی پروژه بازسازی و احیای مجدد آسان و روند عادی خود را حاصل نماید. آنچه از همه اولتر در پلان ها و پروگرامهای احیای مجدد بازسازی اصولا حق اولیت در نظر گرفته میشود، توجه عمیق به ریشه یابی معضلات و مشکلات باید متمرکز گردد تا برای رفع و دفع و نابودی عوامل و ریشه کنی های موانع سر راه آن تدابیر مشخص اتخاذ گردد تا راه احیای بازسازی و امنیت هموار شود تا کار عملی انجام شده بتواند. لازمی پنداشته میشود تا برای مردم متاثر و متضرر از جنگ «ملت» فرصت و زمینه مساعد فراهم شود تا خود شان بحال خود فکر کرده بتوانند و ببینند که راه معقول خروج و نجات از این حالت کدام است. مجال یابند تا توانایی ها، ضرورت ها و نیاز مندیهای خویش را خودشان تشخیص دهند و بشناسند و حق اولیت دهند نه دیگران. بناء در نخستین گام در پهلوی سایر مسایل به مطالب اتی قدامت می دهند و در صدد جستجو و تحقیق راه حل آن می برآیند:

مصایب مهاجرت ها و دور شدن از دامن پر مهر و عطف مادروطن چگونگی اثرات فرار مغزها و استعداد ها ی متخصص و کار فم از کشور های جنگ زده و در حال جنگ و نا امنی طرق عملی حل مشکلات اساسی وضع موجود چطور و توسط کی ها جستجو و راه اندازی گردد؟ قبل از اینکه به وضع اسف بار و مصیبت زای بیش از پانزده سال اخیر کشوری تهاجم نظامی - فرهنگی به سردمداری ایالات متحده امریکا تحت چتر تصامیم و فیصله «بن زیر نام احیا و بازسازی و مبارزه و مقابله با تروریزم بپردازیم، بهتر است که بخاطر قضاوت سالم و کسب آموزش و عبرت و به منظور جلوگیری از بازی های سیاسی و پیدای سازی مقاصد استعماری و تهاجم نظامی- فرهنگی و سایر انحرافات و اشتباهات زیر این عنوان، یک بار بطور خلاصه و اجمال با اقتضات و ایجابات مفکوره و تاریخچه احیای مجدد و بازسازی در قالب پروژه عملی آن آشنایی و معلومات را حاصل کنیم تا از ابلائی آن به سهولت اهداف شوم و پلید و ناکام طراحان و حمایت گران و مجریان را در طی بیش از پانزده سال اخیر در افغانستان تحت این پوشش مطالعه و مقایسه نماییم. مفکوره و اصطلاح احیای مجدد و بازسازی و انکشاف در جهان وقتی یا بمیان گذاشت و کسب اهمیت نمود که بخش ها، مناطق و کشورهای مختلف جهان بالا اثر طغیان امیال و هوس های سرکش سلاطین و حکمرایان سلطه جو متجاوزین توسعه طلب و در نتیجه جنگهای خا نما نسوز و تباہ کن، یکعده ملت ها و کشورهای نظام ها و سیستمهای سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی خویش را برباد رفته و منهدم یافتند. ویرانی، فقر و غربت، بیکاری، بیسوادی، معیوبیت و معلولیت ها، مهاجرت ها، از بین رفتن و فرار استعداد مغزها، تسلط فرهنگ جنگ و تفنگ، نفاق افگنی و سلطه جویی، خود کامگی، چور و چپاول و بی عدالتی همه دست بدست هم داده و بکسب و پیشه روزمبدل و عمومیت پیدا مینماید. این مفکوره بعد از جنگ دوم جهانی در اروپا که مرکز اصلی جنگ را تشکیل میداد بیشتر کسب قوت و اهمیت نموده و توجه زیاد را بخود جلب کرد. پلان مارشال که از جانب اروپای غربی و امریکاء بمقصد کمک به کار احیای و اعمار مجدد کشورهای اروپایی مخصوصا آلمان بعد از «آدولف هتلر» طرح ریزی گردیده بود یکی از مثال های برجسته درین عرصه بشمار می آید. ایجاد و تاسیس موسسات جداگانه و «O-G-N» ها به منظور اجرا و پیشبرد کار احیای مجدد و بازسازی یک تجربه کاملا جدید و بی سابقه محسوب میشد و تا اندازه در شرایط جرمی بعد از جنگ نتایج مثبت را در قبال خود داشت، ولی در پهلوی آن مشکلاتش را نیز دارا بود. به ارتباط کاستی ها و مشکلات آن بگونه مثال در بسیاری حالات «N-G-O» ها برای صاحبان آن به شکل یک بزنس و کار انتفاعی و سود آور مبدل شده و فعالیت میکردند. پول های زیادی بدسترس یکعده از افراد و اشخاص غیر مسلکی و تخصصی استفاده جو و فرصت طلب قرار میگرفت یا هم بدست آوردند. در اثر عدم کنترل و فقدان سیستم حسابدهی مبالغ زیادی حیف و میل گردیده و اهداف و پروژه های مطلوبه و مطروحه ناتکمیل و نیمکاره باقی ماند. همینگونه زمانیکه در آفریقا، آسیا و امریکای لاتین نیز این چنین موسسات و «N-G-O» ها نتوانستند موثریت خود را ثابت و کامیابی حاصل نمایند، از همینجا بود که این مساله مورد توجه عمیق علما و دانشمندان مختلف موسسات علمی و تحقیقاتی قرار گرفته، عملکردها و نتایج و تجربه های مثبت و منفی حاصله را درین عرصه مورد مطالعه، غور و تحلیل قرار داده و به این نظر متوسل گردیدند که مساله احیای مجدد و بازسازی، انکشاف و پیشرفت، یک موضوع ساده نبوده که بتوان باموجودیت و دسترسی صرف منابع پولی به شاخی بادر کرد و آنرا پیش برد و انجام داد، بلکه ایجاب می نماید تا قبلا مورد مطالعه عمیق و دقیق قرار داده شده و بر اساس یک پلان دقیق و سنجیده شده علمی و عملی انجام پذیرد. بناء ضرورت دارد و ایجاب مینماید که برای ساحات مختلف اجتماعی، تعلیمی، اقتصادی پروژه احیای مجدد و بازسازی کدرها و متخصصین دارای تحصیلات عالی مسلکی تربیه و پرورش و اهل کار بکار گماشته شوند. این قول منظوم کتابهای مملو از پیام هوشدار و تنقید و رهنمایی را در خود نهفته دارد:

ند هد هوشمند روشن رای
بوریا باف گرچه با فنده است
به فرومایه کار های خطیر
نیرندش به کار گاه حریر

همچنین در نتیجه کاروی معلومات ، مدارک و تجارب جمع آوری شده متذکره بالادر عرصه احیای مجدد و بازسازی که از سایر مناطق و کشورهای مختلف جهان نیز بدست آمده ، تحلیل ها و نظریاتی قایم و بیان گردیده ، که پیشرفت احیای مجدد و بازسازی یک پدیده فوق فزیک دانسته میشود ، بطور مثال برای یک مکتب تنها ساختمان یک عمارت مقبول کافی نبوده ، بلکه هدف از ساختمان یک مکتب بایست این باشد که این مکتب در زندگی علمی و عملی چه تعداد از مردم محل یا منطقه با نظر داشت تناسب ظرفیت و مصارف و غیره آن ، چه اثرات مثبت داشته ، مردم تا چه حدی به فواید آن مطمئن و متیقن شده میتوانند و توان و امکان استفاده و بهره برداری مفید برای رفاه و رشد و انکشاف جمعیت و منطقه مهیا و موجود شده می تواند . اهداف احیای مجدد و بازسازی بایست در چوکات یک پلان و پروگرام منظم مرحله به مرحله طوری در نظر گرفته شده و گنجانیده شود که مشکلات و دردهای جامعه تخریب شده با آن حل و مداوا شده و مرهم زخم ها و دواها شده بتواند . و موجب رشد اقتصادی جامعه و منطقه مطلوب گردد ، در تامین امنیت تاثیر مثبت داشته ، بیکاری و بی روزگاری را کم و تدریجا از میان بردارد ، فقر و غربت و مرض را نابود نماید ، نه تنها از فرار مغزها جلوگیری کرده ، بلکه زمینه ساز اعتماد و رشد استعدادها ی جدید و ناشگفته و بازگشت مغزهای مغرور نیز شده ، در امر مبارزه با بیسوادی در یک پروژه ملی تا سرحد نابودی آن معضله نقش و رول عمده ایفا شده بتواند . فرهنگ جنگ و تفنگ و خشونت به فرهنگ صلح و صمیمیت ، یکدلی و معاضدت مبدل شده و تقویت معیارهای موثر اخلاقی تقوی و شایستگی در ساختمان جامعه موازی با آن نیز جدا در مدنظر باشد . بطور مثال هر قدر که در جامعه فقر و بی روزگاری تقلیل یابد و تقوا و پرهیزگاری مسلط گردد به همان اندازه دامنه فساد و چپاول و غارتگری چیده میشود ، و به همان پیمانته شناخت و احترام حقوق شخصی اجتماعی و حدود حاکمیت قانون گسترش یافته ، تقویت و مسلط میگردد . هر قدر که زندگی مردم در جهت آرامی و انکشاف اقتصادی پیش برود بهمان اندازه لحاف و تومار فرهنگ جنگ و تفنگ را چیده ، مانع و سد راه نفوذ دست درازیهای بیرونی مرزها میشود . برای شروع پلان و پروگرام احیاء و بازسازی لازم و ضرور است که مردم خود حالت را درک نمایند که در کدام وضع قرار دارند . راه معقول خروج و نجات از این وضع چطور است ؟ برای مردم فرصت را مساعد و ایشان را سهیم ساخت تا اینکه مشکلات و معضلات خود را خودشان شناسایی کنند . به مردم این موقع و امکان میسر و فراهم گردد که ضرورت های محیط و ماحول خویش را مشخص و خود پیشنهاد نمایند منابع را تشخیص و به اختیار خود داشته باشند ، این بدان معنی است کارها به خوشی و نفع خودشان جریان دارد . در چنین صورت است که آنها با شور و شوق و علاقمندی خاص و مطمئن و باورمند به نتایج کار و آینده خویش سهیم و همکار گردیده از دل و جان از کار و فرآورده های نافع و سودمند خویش حفاظت و حراست و دفاع مینمایند . در عکس صورت ضرورت های اولی و اساسی مردم و منطقه از نظر دور و غیر نافع و موهوم مانده مردم بی علاقه شده و سهم نمیگیرند ، واضح است چنین پروژه ای هرگز کامیاب نمیشود . مردم و کشور ما افغانستان که جزء ای از این قانونمندی بشمار میآید و اینست که تقریباً بیش از چهاردهه به این طرف در خون و آتش و ویرانی به سر می برند ، بخصوص طی بیش از یکنیم دهه اخیر «مایک شانس و امکانات طلایی راباخته ایم» علی الرغم موجودیت بیدریغ قوت های نظامی ، مالی و سیاسی دول معظم و قوی خارجی و تلاش ها و مساعی جامعه بین المللی ظاهر ازیر نام تامین امنیت و اعمار مجدد با گذشت هر روزنه تنها دسترسی و تقرب به هدف اعلام شده اولی «بن» به سود افغانها و افغانستان دشوارتر شده میرود ، بلکه استتار و معامله گری های پنهانی و علنی با خدعه و نیرنگ و خیمه شب بازی های کشورهای ذیدخل ، منطقه و همسایگان مستقیم یا در وجود مستخدمین اقرارشان روزتا روز بر ملا و رسواتر می شود .

از یک حقیقت تلخ دیگر نمیتوان گذشت و چشم پوشید که در احیا و بازسازی سیاسی ملت نیز متاسفانه که نه تنها هیچگونه توجه نشده ، بلکه با حمله امریکا و متحدینش معادله ساختار ستراتیژیک کاملاً تغییر نمود ، زیرا در کشور تناسب و توازن قومی و ملی کاملاً در نظر گرفته نشده و موازی به آن توزیع غیر عادلانه و منصفانه از تمام وسایل ، امکانات و منابع صورت نگرفت ، که مسلمانان نتیجه چنین خط مشی و عمل کرد ساختار اجتماعی سیاسی کاملاً متضرر گردیده و این حقیقت مسلم و غیر قابل توجیح و انکار است که امریکا و متحدینش بجای آنکه به یک پروگرام و اجندای روشن و شفاف عملی در بین افغانها فضای اعتماد متقابل ، وحدت و همبستگی و همکاری را پیش گیرند و انکشاف دهند ، بدبختانه که غرق در نشه مجبوریت های جنگی و اهداف پنهانی خویش زمینه های عدم تفاهم و همبستگی و نفاق ملی را تا سرحد بهم اندازی اقوام و جنوساید بیشتر دامن زده و انکشاف دادند . کلتور و رسوم منفی و غیر عملی را به سیستم اداری راه داده و شامل نمودند که در نتیجه با فرهنگ و کلتور چور و فساد اخلاقی و اداری وارداتی تحمیلی خویش اداره را همگام و همکار خود ساخته و این کلتور منفی و جاهلیت را بجای اعتقادات ، معیارها و عنعنات اصیل و سچة این ملت غیور «پاک ، تقوا ، صداقت ، امانتداری ، غیره» راجایگزین و در سیستم کادری ادارات تریزیک نموده همه ارزش های افغانی و اسلامی افغانها را پایمال و حذف نمودند . نسل جوانی که بایادین ملت مصیبت رسیده و این کشور جنگ زده و ویران و بی در و دروازه رانجات داده ، آرام و مصوون و به بلندترین سطح آدمیت ، پیشرفت ، ترقی و تعالی نزدیک کند ، بر عکس بلکه با آمیخته یی از چپگرایی و اسلام گرایی سیاسی که هر دو از خشن ترین گونه های آنست در خدمت ناچیز کردن ، توهین و تحقیر و نابود کردن دست آورد ها

و افتخارات نسل های پیشین خود قرار گرفته اند . افغان ها را چه در خارج و چه در داخل به اندازه از هم دور نگه کرده اند که نمیشود از یک جامعه سیاسی سخن گفت . مردم و تاریخ به ستوه آمده صدا می زند که: ای کشور افغان ، از پیکر تو جان رفت تا چشم باز کردیم ، از دست ما عنان رفت تاریخ خون چکان شد، فرهنگ بی زبان شد تا عقده ها روان شد ، همه چیز از میان رفت

در اثر تداوم سیاست های ناشفاف ، دورویی و نیرنگ ها، و تناقض قول و فعل و عدم هم آهنگی اربابان داخلی اداره تحت رهبری جناب حامد کرزی و دو سال اخیر داکتر صاحب اشرف غنی مدعیان کمک کننده خارجی حالات و اوضاع به وخامت گرایید و دورنمای تکان دهنده و خطرناک را نشان میدهد. و این بخاطر بیست که استعمارگران و سلطه جویان این بار توانسته اند شیرازه ساختار نظام اداره و وحدت ملی را که تا حدود زیادی با تجاوز و وحشیانه و ظالمانه شوروی سابق برهم خورده بود ، براه اندازی جنگ ها و اختلافات و بهم اندازی های ظاهرا داخلی «نیابتی» تنظیمی و متعاقب آن با ایجاد شرکت سهامی و مافیایی مولود «درامه بن و جانگری» آنرا کاملا دگرگون و بقایا و آثار آنرا از بنیاد متاثر و آسیب پذیر نمایند و برای تقرب و دسترسی به اهداف پلید و ظالمانه استراتژیک استعماری خویش تاکتیک ها و روش های گوناگون را بکار گیرند، و رنه به سوالات فوق الذکر بازسازی و تامین منیت و صلح و همانند آنها پاسخ تهیه کردن و سپس بالای آنها کار کردن موفقیت های بزرگ را برای پروژه احیا و بازسازی مجدد و انکشاف کشور ببار می آورد. ما در گذشته ها شاهد رسوم و عینات نیک و پسندیده بوده ایم که مردم با اشتراک و سهم گیری فراگیر و فعال در اجرا و رفع مشکلات خویش در زندگی روزمره شان بدون دیکته و امر و نهی و فشار افراد حکومتی یا منشان تفنگ بدست ساز ما نهی اولیه حزبی و محتسبین تفنگ و شلاق دارد در حل مشکلات محلی ، منطقوی مردم خود با دل های پاک و مملو از صفا و صمیمیت و علاقه مندی می شناختند اگر ما اعمال و کردار و حرفها و کلمات را تعبیر سوء نکنیم و با سفسطه گویی به نفع اغراض و بهره برداری های ناجایز سیاسی توجیح نکنیم ، مثال (حشر) در موارد بستن و استحکام و کندن سربندها و انهار و جویها و هم چنین مسایل تکفین و تدفین میت و سایر مسایل کلتوری و رسم و رواجها را میتوان منبع الهام و سرمشق خوبی قرار داد، نه به شکل اجبار و با اهداف غرض آلود و منفی استعماری و استثماری آن، بلکه بطور عادلانه و دلسوزانه آنرا به منفعت و در خدمت جامعه احیا نمود ، تقویه و انکشاف داد و پروژه احیا و بازسازی و انکشاف را توسط خود مردم تحقق بخشید .

درین صورت است که از پنهان کاری ها و اغراض شوم و سوء استفاده هاهم جلوگیری شده و هر انجنیر و متخصص و کارفرما و وسایل و وسایط ما به جای اختطاف و آزار و اذیت و تخریب به مردم انتقال و تعلق می گرفته و در بین مردم با شور و شعف و دهل و سرنا بدرقه و همراهی و تقدیر میشد و در پایان بیش از پانزده سال به نقطه بیشتر از آغاز ، اداره انتقالی ساخت بن القاب فاسد ترین کشور جهان را دریافت نمیکردیم ، بلکه برعکس آن نظم و امنیت و آبادی و آرامی توسط خود مردم محلات تامین و حراست و حفاظت می شد و علاوه بر ده ها هزار کارگر و کار فرما و ماهر متخصص مجرب و کار آزموده میداشتیم . که میشد این تجربه ماتازه و سرمشق خوبی برای خود ما و الهام و تحفه منحیث تجربه خوب و جدید برای جهانیان قرار میگرفت .

(ادامه دارد)